

## راه‌اندازی سامانه شناسایی افراد در معرض خود کشی

معاون رفاه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، از پیشنهادر راه‌اندازی سامانه شناسایی افراد در معرض خودکشی خبر داد. احمد میدری، در حاشیه نهمین جلسه کارگروه آسیب‌شناسی و مسائل اجتماعی گفت: «با کمک موسسات مردم‌نهاد می‌توان سامانه‌ای راه‌اندازی کرد که با همکاری سازمان بهزیستی، وزارت آموزش و پرورش، سازمان هلال احمر و مراکز فوریت‌های پزشکی، افرادی که در معرض خودکشی هستند، شناسایی شوند.» وی گفت: «پس از شناسایی افراد در معرض تهدید، سمن‌ها می‌توانند این افراد را تحت‌پوشش قرار دهند.»

یکشنبه ۲۴ دی ۱۳۹۶ ● شماره صد و سی و هفت

ا ت ی ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

حرف من هم همین است که سیاست‌گذاران اراده کنند؛ کار را جدی بگیرند و حرف آدم‌های دلسوز را بخرند. متخصصان نباید پشت درها برای بیان نظرات‌شان منتظر بمانند.

■ اما وضعیت صندوق‌ها مستقیما وابسته به وضعیت کلی اقتصاد کشور است. نباید فراموش کردیک‌دوره‌سنگین تحریم‌های فلج‌کنندهدر کنار سوء‌مدیریت‌هایی که در آن دوره انجام شد، آنقدر خسارت‌بار بوده که نمی‌توان انتظار داشت مدیران صندوق‌ها معجزه کنند و وضعیت را به یک نقطه آرمانی برسانند..

حرف شما را قبول دارم. برای عبور از وضعیت کلی بحران صندوق‌ها شکی نیست که می‌بایست وضعیت اقتصاد کشور با سرمایه‌گذاری و سیاست‌گذاری درست، به یک نقطه امیدبخش برسد. اشتغال و تولید رونق بگیرد و نشاط اقتصادی همه بخش‌های کشور را در بر بگیرد. برای رسیدن به این نقطه همه تصمیم‌گیرندگان باید وارد گود شوند و مسلم است که نمی‌توان تنها مدیران صندوق‌ها را برای چنین ماموریتی مسئول دانست. اما کاری که می‌بایست صندوق‌ها انجام دهند هشداردی کارشناسی و مکرر در خصوص ضرورت چنین رفرم‌های اقتصادی برای دور شدن از بحران‌های اجتماعی است.

■ صندوق‌ها سال‌ها مقهور بازی بازیگران عمدتا سیاسی-اجتماعی بودند؛ اما حالا خود نهاد دولت هم به نوعی گرفتار نشده است. سالانه بیش از ۲۰۰ هزار میلیارد تومان در حوزه‌های حمایتی و بیمه‌ای

هزینه می‌شود که بخش زیادی از آن، معطوف به جبران تعهدات صندوق هاست. فکر می‌کنید این فشار هزینه‌ای، دولت را متقاعد می‌کند که سریع‌تر به اصلاحات روی بیاورد؟

من نسبت به این موضوع اگر خوشبین نباشم، حداقل بدبین هم نیستم. به‌هرحال دولت مستقر، در مجموع، دولتی است که عقل و خرد بر آن حاکم است و نمی‌خواهد کارهای بی‌خردانه انجام دهد. دولت دوازدهم، عاقل‌تر از گذشتگان است اما در عین حال، محافظه‌کار است و حاضر نیست به‌سادگی با پدیده‌ها درگیر شود. اگر درگیر شویم و موضوع صندوق‌ها را ملی بدانیم و در کنار آن، عوارض روبه‌روشدن با این بحران را بر دوش بگیریم، می‌توانیم امیدوار باشیم. ممکن است در راه انجام کار درست، پندام شویم؛ اما اجر آن، محفوظ است. در نظام‌های اعتقادی جمعی، مدیران نسبت به انسان‌ها و کشور خود تعهد دارند و عوارض کارهای خود را می‌پذیرند. باید این فضا به وجود آید که همه مدیران بدانند اگر مسئولیتی بر دوش گرفته‌اند، باید آن را انجام دهند. تاوقتی که فرافکنی می‌کنیم و مسائل را به شرایط ربط می‌دهیم، کاری از دست‌مان برنخواهد آمد. باید مانند یک پدر، مسئولانه رفتار کنیم. درست است که شرایط اجتماعی عوض شده و پدران، مانند سابق نمی‌توانند فرزندان خود را اداره و کنترل کنند، اما باید بپرند و دانش لازم را یاد بگیرند. اگر این روحیه، در مدیران ما به وجود آید که بار را به دوش بکشند، آمادگی سیلی خوردن و رویارویی را داشته باشند، تسلیم خواست‌های لحظه‌ای نشوند، فشار تحمل کنند و از محافظه‌کاری خارج شوند، ممکن است بتوانیم بحران را حل کنیم. به تعبیری دیگر، در بحران صندوق‌ها ما به پدری دلسوز و به نوعی به دولتی با این ویژگی‌ها نیاز داریم.

■ در تاریخ سیاسی و اجتماعی کشور ما نیز هر موقع دولت مسئولیت‌پذیر داشته‌ایم، صندوق‌ها هم اوضاع به سامانی داشته‌اند. نمونه بارز آن دورانی است که مثلا قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی به تصویب رسید.

ارز یابی شما چیست؟

دقیقا. مایه مدیرانی نیاز داریم که علاوه بر عقل و منطق، شجاعت هم داشته باشند. بار را به دوش بکشند، آمادگی سیلی خوردن و رویارویی را داشته باشند. تسلیم شدن به خواست‌های لحظه‌ای و بی‌توجهی به مصالح آینده بحران می‌آفریند. آخرین و مهمترین توصیه من به صندوق‌ها این است که تیم‌های متخصص از کارشناسان اهل فکر تشکیل دهند و مشخص کنند چه باید کرد که در بازه‌ای ۱۰ ساله بحران صندوق‌ها را به طور نسبی مهار کرد.

■ عده‌ای از انتقال به نظام‌های بازنشستگی جدید صحبت می‌کنند و می‌گویند صندوق‌های خصوصی می‌توانند گره کار را باز کنند. البته ملاحظات کارشناسی زیادی در باره این ایده وجود دارد و به خصوص تجربیات کشورهای آمریکای جنوبی کمی در موثر بودن انتقال به نظام‌هایی با حساب‌های انفرادی و ترکیبی تردید ایجاد کرده است. شما چه فکر می‌کنید؟

اتفاقا یکی از راه‌حل‌هایی که میشود در آینده به آن فکر کرد، پرهیز از ایجاد صندوق‌های متمرکز است. به عبارتی برای سازمان‌های خاص،

# ویاگو

پرسه‌ای در ایده‌ها و اندیشه‌ها

صندوق‌های کوچک ایجاد کنیم. ما همه کارگران از تمام صنف‌ها را وارد صندوق تامین اجتماعی کرده‌ایم. باید خودمان را از این الزام برهانیم. واقعیت این است که اداره سازمان‌های بزرگ همیشه سخت است و لازم است به عناصر کوچک‌تر تقسیم شوند. فکر می‌کنید چرا در دنیا به سمت نظام‌های فدرالی رفته‌اند؟ اداره کردن یک استان آسانتر از مجموعه‌ای از استان‌ها در یک مجموعه متمرکز با افکار تمرکزگراست. باور من این است که اگر در آینده صندوق‌ها و حدودشان را کوچکتر کنیم، اداره آنها آسانتر خواهد بود.

■ یکی از راهکارهای پیشنهادی، الزام صندوق‌ها برای خروج از نگاهداری است. منتقدان اما این راهکار را، ناقص و محکوم به شکست می‌دانند. تحلیل شما چیست؟

من معتقدم برای حل بحران، باید دیدی سیستماتیک داشت. اگر در یک خودرو، جای فرمان و چرخ را با یکدیگر عوض کنیم، مسلم است که خودرو حرکت نمی‌کند. لازمه خروج صندوق‌ها از بنگاهداری، این است که دارایی‌ها در بازار سرمایه فعال شوند تا زایندگی داشته باشند. نمی‌شود پول و سرمایه را –که صندوق‌ها عمدتا از محل فروش یا انتقال دارایی‌های فیزیکی خود به دست آورده‌اند– در نظام بانکی سپرده‌گذاری کرد و انتظار زایندگی داشت. صندوق‌ها باید بتوانند با سرمایه‌های خود، خرید و فروش اوراق و سهام انجام دهند تا درآمدزایی کنند. اگر این پول‌ها بدون برنامه مصرف شوند یا به آدم‌های غیر متخصص سپرده شوند، بحران کنونی دوباره تکرار می‌شود. از همه مهم‌تر، صندوق‌ها نه به یک

راه‌حل، بلکه به مجموعه‌ای از اصلاحات در زمان بحران نیاز دارند؛ چراکه بحران، معلول یک علت نیست و برای حل آن نیز نیاز به مجموعه‌ای از راه‌حل‌ها داریم. برای مثال، سازمان تامین اجتماعی باید هزینه‌های خود را کنترل کند. در آن سو نیز بازنشستگان را توجیه کنیم که انتظارات‌شان را از صندوق تامین اجتماعی عقلایی کنندوسن بازنشستگی راسروسامان دهیم. بنابرین، این ایده که بنگاهداری را از صندوق‌ها و بنگاه‌های اقتصادی آنها بگیریم و منابع را وارد بازار سرمایه کنیم، ایده بدی نیست؛ اما تنها راه‌حل هم نیست. برای مدیریت همین عملیات فروش و انتقال دارایی‌ها باید درست فکر کرد؛ آدم‌های متخصص را به کار گرفت و آیین‌نامه‌های کارشناسی تدوین کرد. ضمن اینکه فروش و انتقال دارایی‌ها، به سرعت امکان‌پذیر نیست؛ بلکه لازم است قدم به قدم به آنها سامان داد. حساب‌های شرکت‌ها باید شفاف شوند، قیمت تمام‌شده واحدهای تولیدی، به درستی محاسبه شود و ... اگر این پیش‌نیازها را انجام ندهیم، نه فروش واحدها به صورت درست و اصولی انجام می‌گیرد و نه کمکی به موفقیت راهبرد واگذاری می‌کند.



صندوق‌ها نه به یک

راه‌حل، بلکه به

مجموعه‌ای از اصلاحات

در زمان بحران نیاز

دارند؛ سازمان

تامین اجتماعی باید

هزینه‌های خود را کنترل

کند. در آن سو نیز

بازنشستگان را توجیه

کنیم که انتظار اتشان

را از صندوق

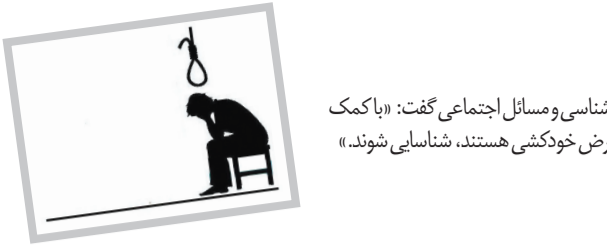
تامین اجتماعی عقلایی

کنند و سن بازنشستگی

را سروسامان دهیم

معاون رفاه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در حاشیه نهمین جلسه کارگروه آسیب‌شناسی و مسائل اجتماعی گفت: «با کمک موسسات مردم‌نهاد می‌توان سامانه‌ای راه‌اندازی کرد که با همکاری سازمان بهزیستی، وزارت آموزش و پرورش، سازمان هلال احمر و مراکز فوریت‌های پزشکی، افرادی که در معرض خودکشی هستند، شناسایی شوند.»

وی گفت: «پس از شناسایی افراد در معرض تهدید، سمن‌ها می‌توانند این افراد را تحت‌پوشش قرار دهند.»



## کتیو | ۰۹

● گزارش ●

# صندوق‌ها در آینه ۱۰۰ مسئله کشور

صندوق‌های بازنشستگی، چند صباحی است که مانند کشتی‌ای گرفتار طوفان، راه ساحل را گم کرده‌اند. مسافران کشتی، هراسان در آرزوی رسیدن به ساحل آرامش هستند و خدمه کشتی نیز فرصتی می‌خواهند تا با عقلانیت و خرد جمعی، بر موج‌های سهمگین فائق آیند. سال‌هاست کارشناسان از مشکلات ساختاری و مدیریتی صندوق‌ها می‌گویند و در این مدت نیز دولت و خود صندوق‌ها، تمام منابع مالی‌شان را خرج کرده‌اند اما باز هم افاقه‌ای نکرده است. با آنکه در یکی دو سال گذشته، حساسیت در باره موضوع صندوق‌ها، در میان تصمیم‌گیران کشور بیشتر شده و در عرصه عمومی نیز گفته می‌شود باید اقدامی اساسی برای صندوق‌ها کرد، هنوز نسخه‌های اصلاحی و پیشنهادهای مشخصی برای برون‌رفت آنها از بحران، طرح نشده‌اند که به یک معنا، به منزله تداوم نگرانی‌های عمومی ریاست‌جمهوری منتشر کرده، موضوع صندوق‌های بازنشستگی، به مثابه یکی از «عدم قطعیت‌های کلیدی پیش روی ایران و ایرانیان» شناسایی شده که باید سناریوهایی برای آن‌ها تعیین شود. در این مطالعه آینده‌پژوهی و جامع که با همکاری ۱۲ موسسه تحقیقاتی انجام شده، مسائل کشور در هفت گروه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، علم و فناوری، محیط‌زیست و سلامت، دسته‌بندی شده و تلاش بر آن بوده که با روش‌های کمی و کیفی، نظرات خبرگان و متخصصان و عموم مردم را در باره مسائل اصلی کشور، داده‌کاوی و تحلیل کند و درنهایت، تصویری از وضعیت کنونی و آینده کشور ارائه دهد. براساس نتایج رتبه‌بندی ۱۰۰ مسئله اساسی کشور، پرسش‌شوندگان –که خود از نسل‌ها و حوزه‌های مختلف (عمومی و تخصصی) و در سطوح متفاوت (استانی، ملی و محیط بین‌الملل)، انتخاب شده‌اند- «ضرورت اصلاحات ساختاری اقتصادی»، «بحران تامین آب»، «بحران بیکاری»، «فساد سیستمی»، «ناامیدی درباره آینده»، «سرمایه اجتماعی» و «بحران ریزگردها» را مهم‌ترین دغدغه‌هایی دانسته‌اند که باید به آنها رسیدگی شود. مطابق انتظا‌رها در این پژوهش، بیشترین تمرکز و تاکید، در حوزه اقتصاد بوده؛ به نحوی که ۷ مورد از ۱۰ اولویت اصلی –که معادل سهمی ۱۸ درصدی در منظومه ۱۰۰ مسئله جامعه است– ریشه‌ای اقتصادی دارند. در این پژوهش، از شاخص میانگین عدم قطعیت و میانگین اهمیت، برای ترسیم اهمیت راهبردی و دامنه پایداری یا تغییرات، استفاده شده که در این میان، میانگین هندسی اهمیت بحران صندوق‌های بازنشستگی، در حدود ۵۰ درصد اعلام شده است. نکته جالب در این گزارش، درصد اهمیت بحران صندوق‌هاست که ۷۰ درصد پرسش‌شوندگان، آن را مهم دانسته‌اند. با این حال، حدود ۴۰ درصد پرسش‌شوندگان نیز گفته‌اند که قطعیتی درباره صندوق‌ها و اینکه در سال ۹۶ به مسائل آنها رسیدگی می‌شود، ندارند. در مطالعه جامع آینده‌پژوهی ایران، صندوق‌های بازنشستگی هفتادوسومین تکه از پازل ۱۰۰ تکه مسائل مهم کشور در سال ۹۶ قلمداد شده‌اند و در آسیب‌شناسی مشکلات آنها، علت‌العلل را «ورودی کم» و «خروجی زیاد» دیده‌اند که در درازمدت، به کمبود منابع منجر شده است. گذشته از این، تدوین‌کنندگان گزارش، «بدعت نامیوم» برداشت دولت‌ها از منابع صندوق‌ها را به منزله تیر خلاصی بر پیکره آنها تحلیل کرده‌اند که به ورشکسته‌شدن تعداد زیادی از صندوق‌های بازنشستگی کشور انجامیده است. مطالعه آینده‌پژوهی ایران، «عدم استقلال صندوق‌ها»، «مصوبات تعهذزای مجلس در باره صندوق‌ها» و «بدهی‌های دولت» را سه متغیر زمینه‌ساز مسئله «بحران صندوق‌ها» به شمار آورده است. در کنار آن «بدهی دولت به صندوق‌ها» زیرشاخه مسئله شناخته شده که خود دارای ابعادی مانند «بدهی صندوق‌ها به نظام سلامت و اعضا» است و ورشکستگی را به عنوان پیامد مسئله– به کام صندوق‌ها و مشترکان آنها ریخته است. بر مبنای تحلیل‌های نخبگان جامعه، بحران صندوق‌ها یکی از بحران‌های «سال‌های آینده» کشور است که اثراتی بر کشور و مسائل آن، طی سال‌های آینده نیز خواهد داشت. در بخش پیشنهادات نیز این گزارش تاکید کرده که ساز و کار و قوانین عملکردی صندوق‌ها به نحوی اصلاح شوند که منابع آنها صرف تامین مالی پربرازده‌ترین فرآیندهای تولیدی شود تا ضمن برگشت بازده مناسب، ساز و کار عملکرد صندوق‌ها بهبود پیدا کند.



● ادامه از صفحه ۸ ●

● علی‌حیدری ●

### محو شکاف طبقاتی...

در چنین مواردی، دولت باید اثرات آن را روی صندوق‌های بیمه‌ای و مشمولان سازمان‌های حمایتی، بستجد و معادل آن را تامین کند.

۴- **معامله:** در مواردی، دولت و مجلس می‌خواهند معاملاتی را انجام دهند و مثلا شرکت‌ها یا موسساتی را به بخش خصوصی یا تعاونی بفروشند؛ در چنین مواردی، یا باید از مشاغل موجود در آن شرکت‌ها و شاغلان آنها صیانت کنند. یا اینکه تبعات آن، برای سازمان‌های حمایتی و بیمه‌ای سنجیده و سازوکارهای ترمیمی و جبرانی، تعبیه و لحاظ شود.

۵- **رابطه:** در برخی مواقع، حاکمیت و دولت و مجلس می‌خواهند با برخی از کشورها رابطه ویژه‌ای داشته باشندو به این علت، واردات یا قاچاق احتمالی کالا از کشورهای مزبور به ایران زیادی می‌شودومتناسب‌با آن، تولید، سرمایه‌گذاری و اشتغال ملی، ضربه می‌بیند.

۶- **منازعه:** برخی مواقع، حاکمیت و دولت و مجلس به‌هر علت می‌خواهندوارد برخی منازعات بین‌المللی شوند و این امر، تبعات و عوارضی برای کشور از منظر اقتصادی و ... دارد که بر کیفیت زندگی اقشار مردم، تاثیر می‌گذارد و در این قیبل موارد، باید همان‌طور که به‌مقاوم‌سازی اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی توجه می‌شود، به «مقاوم‌سازی اجتماعی» نیز توجه شود و مردم کشور و به‌طور خاص، اقشار و گروه‌های هدف، در قبال این تبعات و عوارض مورد حمایت و صیانت قرار گیرند.

۷- **معارضه:** برخی مواقع، حاکمیت و دولت و مجلس، به‌هر علت –عامدانه یا اقتضائا– باید وارد منازعات و مناقشات داخلی شوند و افرادی نیز باید مورد محاصره و مواخذه قرار گیرند یا به زندان بیفتند یا از حقوق اجتماعی، محروم شوند. در چنین مواردی، لازم است خانواده‌های آنها مورد حمایت قرار گیرند.

نتیجه آنکه، صرف‌نظر از رویدادها، مخاطرات و حوادث قه‌ری و طبیعی، رویدادهایی هستند که دولت و مجلس و حاکمیت، مسئول بروز آن هستند و اقدام یا عدم اقدام صحیح، دقیق، متناسب و به‌موقع حاکمیت و دولت و مجلس، باعث بروز این رویدادها شده و باید منابع مالی موردنیاز برای خدمات‌صیانتی، حمایتی، جبرانی، ترمیمی و تعادل‌بخشی متناسب با این رویدادها را از محل منابع عمومی (انفال، نفت، معادن و...) و یا از منابع باتوزیعی (مالیات‌ها، عوارض، تعرفه‌ها و...) تامین کنندو در اختیار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی قرار دهند.در حال حاضر، باعنایت به برخی تصمیمات دولت و مجلس و بنابر عللی چون دوفضایی شدن جامعه (فضای مجازی و فضای واقعی)، سهم بالای اقتصاد پنهان، غیررسمی و سیاه، سهم بالای حمایت‌در اقتصاد، رویکرد با ضرورت حرکت به سمت صنعت خدمات و صنایع کوچک و ... عملا امکان استفاده از تمام ظرفیت‌های بالقوه قانونی برای تسجیل، تحصیل و وصول حق بیمه تامین اجتماعی میسر نیست و فرارهای بیمه‌ای در سطحی وسیع صورت می‌پذیرد و به همین سبب، به‌نظر می‌رسد باید با وضع مالیات‌های اجتماعی (وضع عوارض و تعرفه و مالیات بر فعالیت‌ها) –که با رویکردهای اشتغال و...) یا ایجاد مکانیسمی به نام «حق بیمه بر ارزش افزوده» شبیه «مالیات بر ارزش افزوده» اجازه ندهیم که شکاف طبقاتی و محرومیت از پوشش بیمه‌های اجتماعی، بیش از این شود. به بیان دیگر، حجم اقتصاد کشور و در نگاهی حداقلی، حجم بودجه کل کشور (بودجه شرکت‌ها و بودجه عمومی) حاکی از ظرفیت بالقوه بسیار بالایی برای وصول حق بیمه اجتماعی است؛ اما به سبب اعمال برخی معافیت‌ها –که با رویکردهای شخصی و صنفی اعمال شده– فرارهای بیمه‌ای که به‌خاطر ترقیق قوانین، حادث شده می‌شود، سیالیت نیروی انسانی، انتقال کار و فعالیت به فضای مجازی، انتقال کار و فعالیت به اقتصاد زیرپله‌ای، بزرگ‌شدن برخی حیاطخولت‌های دولتی و سیاهچاله‌های بودجه، عدم نظارت بر اجرای قانون کار و قراردادهای موقت و ... ضروری است که به سمت اعمال سازوکار «حق بیمه بر ارزش افزوده» حرکت کنیم و منابع حاصله را برای فراگیری پوشش‌های سطح پایه بیمه‌های اجتماعی و تقویت حوزه‌های امدادی و حمایتی نظام جامع به کار ببندیم.

این متن، تلخیص شده یادداشت‌بانایپرئیس هیئت‌مدیره سازمان تامین اجتماعی در خبرگزاری «اینا» است.